



88 به روایت اسناد خارجی / 1

### هدف آمریکا از تاسیس "دفتر امور ایرانیان" چه بود؟ / پروژه "پایگاه ریگا" چگونه در ایران پیاده شد + سند

نیکلاس برنز معاون سیاسی وزارت خارجه آمریکا طی سخنانی گفت: آمریکا با ایجاد دفتری به نام "دفتر حضور منطقه‌ای" در دومی به دنبال تکرار مدل "پایگاه ریگا"، این بار در ایران است. او یک سال قبل‌تر به روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز گفته بود آمریکا یک پایگاه منطقه‌ای برای ارسال کمک به مخالفان ایرانی ندارد.

تاریخ: دی - :

کد خبر:

**گروه بین الملل مشرق**- انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سال 1388 و حوادث پس از آن از آن‌جا که اتفاقی مهم در تاریخ کشور به شمار می‌رود، موجب شد تا تحلیل‌های زیادی درباره آن مطرح شود. عده‌ای هر اظهارنظری درباره آن حوادث را یک ترفند سیاسی تلقی می‌کنند، اما عده‌ای دیگر معتقدند این حوادث نیاز به بررسی‌ها و تعمق بیشتری دارد.

یکی از موضوعات مربوط به حوادث سال 1388 که جای بررسی‌های بیشتر دارد و از موضوعات محل اختلاف بوده است، نقش دولت‌های خارجی در طرح‌ریزی اتفاقات قبل و بعد از انتخابات سال 88 است. انگلیس و آمریکا معمولاً طراحان اصلی اغتشاشات دانسته می‌شوند، اما عده‌ای این دیدگاه را نمی‌پذیرند و آشوب‌های خیابانی آن سال را نتیجه اعتراضی طبیعی به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری می‌دانند.

در میان منابع فارسی، به غیر از اعترافات منہمین اغتشاشات انتخاباتی 88، کمتر مستنداتی از برنامه چند ساله دولت‌های خارجی برای براندازی نرم در ایران منتشر یا ارائه شده است. بر همین اساس **گروه بین الملل مشرق** بر آن شد تا در قالب یک مجموعه گزارش تحقیقی، ابعاد حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ایران را با نگاهی جدید و از منظر اسناد رسمی و موثق خارجی بررسی کند.

در این مجموعه با استناد به اظهارات علنی مقامات دولت‌ها، اسناد رسمی منتشر شده کشورهای خارجی و گزارش رسانه‌های معتبر تلاش خواهیم کرد نشان دهیم چه تحرکاتی پیش از سال 88 در برخی کشورها برای ایجاد آشوب در ایران ایجاد شده بود. بسیاری از مستنداتی که در این‌جا ارائه می‌دهیم پیش از این هرگز منتشر نشده‌اند و یا کمتر به آن‌ها پرداخته شده است و بنابراین در میان عموم مخاطبان، اطلاعات اندکی درباره آن‌ها وجود دارد.

اولین گزارش به معرفی تحرکاتی خواهد پرداخت که به صورت جدی از سال 2006 در دولت "جورج دبلیو بوش" رئیس‌جمهوری وقت آمریکا برای پیگیری پروژه براندازی نرم دولت ایران آغاز شد. در این سال، "کاندولیزا رایس" وزیر خارجه وقت آمریکا با معرفی طرح "دیپلماسی تحول‌آفرین" از تغییراتی گسترده در رویکرد واشنگتن نسبت به تهران خبر داد. راه‌اندازی دفتری به نام "دفتر امور ایرانیان" اولین تحرک جدی دولت آمریکا در آن سال برای حمایت از مخالفان داخلی در ایران بود.

درباره این دفتر در منابع فارسی به طور پراکنده و غیرمنسجم مطالبی منتشر شده است. آشنایی با این دفتر و شرح فعالیت‌های آن اولین گام برای درک تحرکاتی است که بعداً معرفی خواهند شد.



### کاندولیزا رایس، پایه‌گذار دفتری برای پیگیری برنامه براندازی نرم در ایران بود

در سال 2006 دولت جورج دبلیو بوش رویکرد جدیدش در سیاست خارجی را با عنوان "دیپلماسی تحول‌آفرین" [1] معرفی کرد. دیپلماسی تحول‌آفرین، یا مطابق آنچه برخی کارشناسان علوم سیاسی می‌گویند "دیپلماسی زور" [2]، مجموعه اقداماتی بود که دولت وقت آمریکا با هدف تغییر نظام سیاسی در برخی از کشورهایی آغاز کرد که اولویت سیاست خارجی واشنگتن تعیین شده بودند.

ایران یکی از این کشورها بود. کاندولیزا رایس که نگاهی به سوابق فکری و تحصیلی‌اش نشان می‌دهد تمرکز ویژه‌ای بر مسائل فرهنگی کشورها و تلفیق فرهنگ و سیاست داشته است، در این سال با بیان این‌که "آمریکا با هیچ چالشی بزرگ‌تر از ایران مواجه نیست" [3]، تاکتیکی تهاجمی را برای تغییر نظام در ایران آغاز کرد.

### دفتری برای براندازی نرم در ایران

از جمله مهم‌ترین اقدامات "رایس" در چارچوب "دیپلماسی تحول‌آفرین" تأسیس دفتری به نام "دفتر امور ایران‌پان" در سال 2006 بود که به استناد شواهد مختلفی از جمله اظهارات مقامات آمریکایی، اسناد وزارت خارجه واشنگتن و همچنین گزارش رسانه‌های این کشور، هدف از آن پیگیری پروژه براندازی نظام ایران با تکیه بر رویکردهای فرهنگی و دیپلماسی عمومی بوده است. در این گزارش برخی از این مستندات را با هم مرور می‌کنیم.

زمانی که دفتر امور ایرانیان ایجاد شد بسیاری از رسانه‌های آمریکایی از قول منابعی آگاه در وزارت خارجه آمریکا آن را رویکرد نوین واشنگتن در قبال ایران عنوان کرده و به تشریح اهداف آن پرداختند. در گزارش رسانه‌های آمریکایی در آن زمان حتی یک مورد نمی‌توان یافت که هدف از ایجاد این دفتر را پیگیری پروژه‌ای غیر از براندازی نرم عنوان کرده باشد.

اولین اخبار درباره امکان تخصیص بودجه برای حمایت از مخالفان داخلی در ایران را روزنامه نیویورک تایمز در 29 2005 منتشر کرد. در این سال، "نیکلاس برنز" که در آن زمان معاون سیاسی وزارت خارجه بود هدف دولت از تقویت رسانه‌هایی مانند "صدای آمریکا" و افزایش ساعات پخش آن را مشابه طرح‌های واشنگتن برای راه‌اندازی انقلاب‌های رنگی در اوکراین و گرجستان دانسته بود. وی درباره امکان ارسال پول به مخالفان دولت ایران گفته بود: "ما هنوز به آنجا نرسیده‌ایم، چون هنوز پایگاهی برای انجام این اقدام نداریم و ایران هم هنوز به اندازه کافی کشور آزادی نیست که ما بتوانیم این کار را انجام دهیم. دولت ایران نسبت به اوکراین در پاییز سال گذشته، زمانی که انقلاب نارنجی اتفاق افتاد، سرکوب‌گرتر است." [4]



### رامین اسکگرد، مدیر یکی از شعبات دفتر امور ایرانیان در دویبی بود

با این حال، یک سال بعد وزارت خارجه آمریکا پایگاه مدنظر برنز را ایجاد کرد. "دفتر امور ایرانیان" همان پایگاهی بود که کاندولیزا رایس برای آن درخواست بودجه‌ای معادل 75 میلیون دلار کرد. رسانه‌های آمریکایی و یک سند مهم وزارت خارجه به مرور نشان دادند این دفتر برای پیگیری براندازی نرم در ایران طراحی شده است.

آدام ارلی سخنگوی آن زمان وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که این دفتر بر نحوه هزینه کردن بودجه 75 میلیون دلاری نظارت خواهد داشت و شعبه‌هایی در دویبی، استانبول، باکو، فرانکفورت و لندن خواهد داشت. ارلی از تصمیم وزارت خارجه آمریکا به تربیت کادری از کارمندان سرویس خارجی خبر داد که بتوانند فارسی صحبت کنند و درک صحیحی از ایران و منطقه‌ای که ایران در آنجا نفوذ دارد داشته باشند.<sup>[5]</sup>

روزنامه "کریستین ساینس مانیتور" در گزارشی مورخ 17 آوریل 2006 هدف از این پروژه را تکرار مدل حمایت زیرزمینی آمریکا از "جنبش همبستگی لهستان"<sup>[6]</sup> در دهه 1980 عنوان کرد<sup>[7]</sup> که در خلال آن آمریکا توانست با اقداماتی در لفافه فعالیت‌های فرهنگی، زمینه‌های انتقال تجهیزات به مخالفان این کشور و براندازی دولت آن را فراهم آورد.

بین سال‌های 1982 تا 1989 دولت "رونالد ریگان" رئیس‌جمهوری وقت آمریکا در راستای سیاست واشنگتن قصد داشت از جنبش معارض لهستان حمایت کند. دولت آمریکا در آن زمان با چند مشکل روبرو بود: نداشتن اطلاعات کافی از داخل لهستان، عدم تماس با اعضای جنبش همبستگی و مشکل لجستیکی انتقال تجهیزات و پول به داخل لهستان.

با این حال، چنان‌که محققى به نام "کارل برنشتاین" طی مقاله‌ای در 24 فوریه 1992 در مجله تایم شرح داد، دولت ریگان موفق شد با شبکه‌ای متشکل از کشیش‌ها و جاسوس‌های آمریکایی "چندین تن تجهیزات شامل ماشین فکس، دستگاه‌های چاپ، دستگاه‌های فرستنده، تلفن، دوربین‌های فیلم‌برداری، دستگاه کپی، دستگاه‌های تلکس و رایانه را برای پیش‌برد فعالیت‌های تبلیغاتی را به داخل لهستان قاچاق کند." منابع مالی مربوط به این اقدام را مطابق مستندات سازمان سیا، سازمان "موقوفه ملی دموکراسی" و حساب‌های مخفی ایجاد شده در واتیکان فراهم آوردند.<sup>[8]</sup>

گزارش روزنامه کریستین ساینس مانیتور که در بحبوحه اخبار مربوط به ایجاد دفتر امور ایرانیان در وزارت خارجه آمریکا منتشر شده مدعی است واشنگتن قصد پیاده‌سازی همین مدل را در ایران داشته است. در بخش دیگری از این گزارش از قول یک مقام وزارت خارجه آمریکا تصریح شده دیدگاه حاکم در دولت جورج دبلیو بوش در آن زمان این بوده است که با توجه به ناکارآمدی دیپلماسی و توسل به گزینه نظامی در قبال ایران، پروژه براندازی، مناسب‌ترین گزینه در قبال ایران بوده است.



### نیکلاس برنز، هدف از دفتر امور ایرانیان را تکرار مدل "ریگا" عنوان کرد

سایر رسانه‌های آمریکایی نیز در آن زمان در گزارش‌هایی که از قول منابع آگاه در وزارت خارجه منتشر می‌کردند تحلیل‌های مشابهی درباره هدف واشنگتن از پروژه راه‌اندازی دفتر امور ایرانیان منتشر می‌نمودند. نیکلاس برنز که یک سال قبل‌تر به روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز گفته بود آمریکا یک پایگاه منطقه‌ای برای ارسال کمک به مخالفان ایرانی ندارد، در 20 اکتبر 2006 بار دیگر با همین روزنامه گفت‌وگو کرده و اهداف دفتر امور ایرانیان را به صراحت بیان کرد.

برنز در این مصاحبه گفت که آمریکا با ایجاد دفتری به نام "دفتر حضور منطقه‌ای" در دوبئی به دنبال تکرار مدل "پایگاه ریگا"، این بار در ایران است. [9] موضوعی که در یک سند رسمی وزارت خارجه که بعداً منتشر شد هم به صراحت به آن اشاره شده بود. [10]

### مدل پایگاه ریگا چیست؟

"ریگا" برای کارگردانان و جاسوسان جنگ سرد میان غرب و بلوک شرق سابق، نامی آشنا است. سازمان سیا در دهه 1920 مسئولیت فرماندهی یک جنگ نرم طولانی‌مدت علیه مسکو و بلوک تحت تأثیر کرملین را به عهده داشت. سیا چندین شبکه رادیویی مانند "رادیو اروپای آزاد" و "صدای آمریکا" را به زبان‌های رایج در شوروی پخش می‌کرد و علاوه بر آن، چندین نشریه مانند "مشکلات کمونیسم" داشت که آن را به صورت رایگان در سطح جهان و به خصوص کشورهای بلوک شرق منتشر می‌نمود.

"نیکلاس برنز" درباره طرح آمریکا در این ایستگاه، توضیحاتی را به روزنامه نیویورک‌تایمز داده است: "ما جوانی را در سال 1962 از "میلواکی" (در ایالت ویسکانسین و یکی از مراکز اصلی سیا در آمریکا) به پایگاه ریگا فرستادیم." بنا بر اسناد مورد اشاره نیویورک‌تایمز، جوان مورد اشاره برنز، "جورج کنان" است که بعدها به یکی از برجسته‌ترین کارشناسان شوروی تبدیل شد. برنز می‌گوید: "ما (سیا) به او گفتیم: برو زبان روسی یاد بگیر و در ریگا بنشین. تو پنجره ما برای ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی هستی."

برنز در ادامه به شرح فعالیت‌های دفتر دوبئی پرداخته و گفت: "امروز ما دقیقاً همین حرف‌ها را به این جوانان می‌زنیم و می‌گوییم شما به دوبئی بروید. ما نمی‌توانیم در ایران باشیم. شما با هر ایرانی که پیدا می‌کنید (تمام ایرانی‌هایی که برای انجام کارهای بانکی یا تعطیلات آخر هفته به این‌جا می‌آیند) مصاحبه کنید و سعی کنید آن‌ها را بشناسید. به ما بگویید چه‌طور باید آن‌ها را بفهمیم."

سندی از وزارت خارجه آمریکا منتشر شده که به وضوح هدف آمریکا از ایجاد دفتر امور ایرانیان را تکرار مدل "پایگاه ریگا" عنوان می‌کند. این سند مربوط به وزارت خارجه آمریکا و مربوط به ماه مارس سال 2006 است.

UNCLASSIFIED STATE 00032902

P 010344Z MAR 06

SUBJECT: RECRUITING THE NEXT GENERATION OF IRAN EXPERTS:

NEW OPPORTUNITIES IN WASHINGTON, DUBAI AND EUROPE

1. (U) Effectively addressing the Iran challenge ranks as one of the highest foreign policy priorities for our Government over the next decade. The Secretary has

**سند وزارت خارجه آمریکا: حل مسئله ایران یکی از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی دولت ما**

### طی ده سال آینده است

سند مورد نظر، مربوط به جذب نیروهای فارسی‌زبان برای کار در شعبه‌های دفتر امور ایرانیان در واشنگتن، دوی، باکو، استانبول، فرانکفورت و لندن است و در آن به وضوح اشاره شده این دفاتر قرار است پروژه پایگاه ریگا را در ایران تکرار کنند. [11] نگاهی به اسناد نشان می‌دهد وزارت خارجه آمریکا از نگرانی که در این دفاترها در کشورهای مختلف کار می‌کردند به عنوان "دیده‌بان‌های ایران" [12] یاد می‌کرده است. در اسناد دیگری که منتشر می‌شود، خواهیم دید شعبه دوی دفتر امور ایرانیان چگونه به یکی از فعال‌ترین مراکز برای دخالت آمریکا در اخبار انتخابات ریاست‌جمهوری ایران تبدیل شده است.

با آن‌که رسانه‌های آمریکایی در آن زمان مدعی بودند کاندولیزا رایس برای پیشبرد اهدافش در قبال ایران درخواست بودجه‌ای معادل 75 میلیون دلار کرده است، یک روزنامه‌نگار تحقیقی در مقاله‌ای مهم در مجله "نیویورکر" مورخ 7 جولای 2008 افشا کرد کنگره آمریکا با درخواست 400 میلیون دلاری دولت بوش برای پیشبرد عملیاتی مخفیانه در ایران برای سرنگونی دولت تهران موافقت کرده است. منابع آگاه در ارتش، سازمان‌های اطلاعاتی و کنگره آمریکا در آن زمان به این روزنامه‌نگار تحقیقی گفتند حمایت از گروه‌های اقلیت قومی مانند عرب‌های اهواز و گروه‌های بلوچ و جمع‌آوری اطلاعات درباره برنامه هسته‌ای ایران بخشی از برنامه‌های مخفیانه آمریکا در ایران بوده‌اند. [13]

با این حال، همزمان با اخباری که در رسانه‌های آمریکا درباره تأسیس دفتری برای براندازی نرم دولت ایران منتشر می‌شد، روزنامه کریستین ساینس مانیتور در تحلیلی درباره این‌که آیا این پروژه می‌تواند موفق شود، از قول کارشناسان نوشته بود این اقدام دولت آمریکا می‌تواند اثرات عکس بدهد [14] و به جای تقویت مخالفان در ایران باعث تقویت پایگاه حاکمیت در نزد مردم ایران بشود.

[1] Transformational Diplomacy

[2] [Link](#) به عنوان مثال ببینید: اسپازیتو و غروی، 2011

[3] "Rice: U.S. faces 'no greater challenge' than Iran" [Link](#)

[4] "U.S. Expands Aid to Iran's Democracy Advocates Abroad" [Link](#)

[5] [لینک](#) "دفتر ویژه‌ای در دوی برای نظارت بر ایران"

[6] Poland Solidarity Movement

[7] "A bid to foment democracy in Iran" [Link](#)

[8] "Solidarity - 1980-1989" [Link](#)

[9] "U.S. keeps finger on pulse of Iran from Dubai - Africa & Middle East" [Link](#)

[10] "Recruiting the next generation of Iran Experts: New Opportunities in Washington, Dubai and Europe" [Link](#)

[11] "Recruiting the next generation of experts" [Link](#)

[12] Iran watchers

[13] "Preparing the Battlefield" [Link](#)

[14] "A bid to foment democracy in Iran" [Link](#)